

مدیریت ورزشی _ آذر و دی ۱۳۹۵
دوره ۸، شماره ۵، ص: ۷۹۷-۸۲۱
تاریخ دریافت: ۱۳ / ۰۷ / ۹۴
تاریخ پذیرش: ۲۷ / ۰۴ / ۹۵

مدلسازی نرم (ISM) مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش

یوسف باقری^۱ - مهدی شریعتی فیض آبادی^{۲*} - عباس نظریان^۳

۱. عضو گروه مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران
۳. استادیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مدلسازی نرم (ساختاری تفسیری)^۱ مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش بود. پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی بود که با بررسی ادبیات پیشینه مرتبط با این زمینه و انجام مصاحبه کیفی (تحلیل محتوا) با سیزده متخصص داخلی و خارجی حوزه دیپلماسی ورزش، مؤلفه‌ها و گویه‌های دیپلماسی ورزش شناسایی شد. در مرحله بعد از نظرهای هفت تن از متخصصان برای اعتباریابی مدلسازی تفسیری و تحلیل MICMAC استفاده شد. پس از تحلیل داده‌ها، مؤلفه‌های دیپلماسی ورزشی در هفت سطح قرار گرفتند که براساس آن گراف ISM طراحی شد. در سطح یک به‌عنوان سطح زیربنایی و سازنده، "توسعه فرهنگی" و در آخرین سطح "برندینگ و پرستیژ بین‌المللی" قرار گرفت. پس از تحلیل MICMAC مؤلفه‌ها براساس قدرت نفوذ و وابستگی، در سه ناحیه پیوندی (توسعه فرهنگی و صلح و دوستی)، مستقل (تعاملات رسانه‌ای، وحدت و هویت ملی، توسعه سیاسی و مبارزه با انزوا) و وابستگی (بعد تاریک، توسعه اقتصادی، برندینگ و پرستیژ بین‌المللی و توسعه قدرت هوشمندانه) دسته‌بندی شدند.

واژه‌های کلیدی

دیپلماسی ورزش، روابط بین‌الملل، مدلسازی ساختاری تفسیری.

Email: mahdishariatifeiz@gmail.com

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۵۵۸۷۳۹۲

1. Interpretative Structural Model (ISM)

مقدمه

مفهوم دیپلماسی اولین بار در مصر باستان، یونان و چین مطرح شد (۹). دیپلماسی مهم‌ترین شاخصه سیاست خارجی کشورهاست که در طول تاریخ پیدایش دولت‌ها، تحولات گوناگونی در شکل، محتوا و ساختار آن پدید آمده است. با پیدایش و گسترش رسانه‌ها و شکسته شدن مرزهای جغرافیایی، تحول مفهومی شگرفی در شکل و معنای دیپلماسی پدیدار شده است (۳). دیپلماسی عمومی تعبیری است که به دلیل جهانی شدن وضعیت قدرت (۷) و در پی آن پررنگ‌تر شدن نقش سازمان‌های غیردولتی^۱ انجمن‌های ملی حقوق بشر^۲، انجمن‌های دانشگاهی، گروه‌های تجاری و مذهبی پس از ظهور این اصطلاح در سال ۱۸۵۱ میلادی در روزنامه تایمز صورت گرفت (۷). کارشناسان مسائل بین‌الملل دنیای امروز بر این عقیده‌اند که امروزه تمامی کشورها به‌ناچار با قدرت نرم و به‌کارگیری روش‌هایی که ذهنیت‌ها و نگرش را تغییر می‌دهد، مواجه‌اند (۱۸). در این میان تحولات رسانه‌ای جدید و جهانی شدن "ساختار نگرهبانی"، وزارت خارجه را با چالش مواجه کرده است و وزرای خارجه به‌تنهایی نمی‌توانند در سیاست‌های خارجی یک کشور تصمیم‌گیرنده باشند؛ سیاست خارجی امروز به تعداد وسیعی از بازیگران بین‌المللی غیردولتی وابسته است (۲۴). بنابراین در صحنه‌های مختلف تا زمانی که افکار عمومی آماده نشوند، برنامه‌ها تحقق نمی‌یابد و از این رو بازیگران اصلی بین‌المللی حجم وسیعی از برنامه‌های خود را در بخش دیپلماسی عمومی و از طریق مراکز علمی، سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی، شخصیت‌های برجسته فکری، هنرمندان، ورزشکاران و ... پیگیری می‌کنند (۲). امروزه افکار عمومی یکی از ارکان مهم در تصمیم‌گیری کشورها در حوزه‌های گوناگون محسوب می‌شود و کشورها نمی‌توانند همچون گذشته تنها بر تبادلات بین‌دولتی در قالب دیپلماسی سنتی تکیه کنند (۴). به‌عبارت دیگر، در دیپلماسی عمومی مخاطب برنامه‌ها را مردم، نخبگان سیاسی، فرهنگی و در مجموع جمعیتی غیر از مسئولان تشکیل می‌دهند و در این زمینه از ابزار مختلفی مانند تبلیغات رسانه‌های جمعی و تأثیرگذاری فرهنگی از طریق دانشگاه‌ها و ... استفاده کنند (۷). در واقع دولت‌ها سعی دارند از طریق دیپلماسی عمومی افکار عمومی را با خود همراه کنند تا برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی خود با مشکلات کمتری مواجه شوند (۸).

-
1. Non-Governmental Organizations
 2. National Human Right Institution

ورزش نمونه مطالعاتی مهمی برای جامعه جهانی امروز به‌شمار می‌رود؛ از یک سو نقش آن در تحکیم روابط میان کشورها و از سوی دیگر نقش ابزاری این پدیده در جهت سنجش و مقایسه کشورها با یکدیگر موجب شده تا امروزه پژوهشگران از ورزش به‌عنوان مؤلفه‌ای جدانشدنی از تمامی ارتباطات و تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای مختلف جهان یاد کنند (۱۲). ورزش کیفیتی بی‌مرز دارد و تمامی حکومت‌ها به آن علاقه‌مندند؛ درحالی‌که ژرمن‌ها، ایالات متحده و ژاپنی‌ها رهبران این حوزه‌اند، سایر کشورها سعی می‌کنند تا از آنان پیروی کنند. دیپلماسی ورزش به فهم بهتر بین‌الملل و دوستی‌ها کمک می‌کند و کلیشه‌ها و تعصب را از بین می‌برد. ورزش ابزاری "کم‌خطر، کم‌هزینه و پرمحتوا" برای فعالیت‌های دیپلماتیک است (۲۳).

در پنجاه سال گذشته نمودی متفاوت از ورزش در جامعه جهانی مطرح شده است. کوفی عنان^۱ و نلسون ماندلا^۲ به نقش ورزش به‌عنوان ابزاری برای توسعه سیاست اشاره کرده‌اند؛ آنها از ورزش به‌عنوان پدیده‌ای که می‌تواند موانع توسعه کشورها مانند جنگ، فقر و بیماری‌ها را از بین ببرد، یاد می‌کنند (۱۹). نلسون ماندلای فقید از ورزش به‌عنوان پدیده‌ای که ظرفیت لازم را برای تغییر جهان دارد، یاد می‌کند. وی درباره ورزش می‌گوید: «ورزش با جوانان با زبان واحد حرف می‌زند؛ ورزش از همه دولت‌ها برای از میان برداشتن موانع نژادپرستانه قدرتمندتر است». دیپلماسی ورزش یک فصل از کتاب راهنمای دیپلماسی مدرن آکسفورد را به خود اختصاص داده است؛ در همایش‌های بین‌المللی انجمن مطالعات بین‌المللی دو قسمت تخصصی به دیپلماسی ورزش اختصاص داده شده است که نشریه دیپلماسی هاج^۳ ویژه‌نامه‌ای درباره «دیپلماسی ورزشی» در بهار ۲۰۱۳ چاپ کرده است (۱۴).

پیش از این ورزش را شکل خاصی از بازی دانسته و به‌عنوان فعالیتی شخصی، آن را از فعالیت‌های عمومی و سیاسی متفاوت می‌دانستند؛ از سوی دیگر، امروزه و با توجه به تاریخچه و اتفاقات عصر حاضر، گروه کثیری ورزش را با سیاست در ارتباط و دخیل می‌دانند. دنیای امروز از ورزش و به‌ویژه ورزش حرفه‌ای به‌عنوان پدیده‌ای در جهت تغییر محیط سیاسی و اقتصادی یاد می‌کند (۱۹). در بخشی از گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ - سال بین‌المللی ورزش و فعالیت بدنی - آمده است (۱۶):

«جهان ورزش فرصتی را برای همکاری طبیعی میان کشورهای مختلف فراهم می‌آورد که مبنای آن مشارکت تمامی کشورها و افراد به شکل طبیعی در ورزش است. ورزش تمامی افراد و شهروندان جامعه

-
1. Kuffi Annan
 2. Nelson Mandella
 3. Hauge

جهانی را تحت پوشش قرار می‌دهد، افراد و جوامع مختلف را در کنار یکدیگر می‌آورد و میان فرهنگ‌ها و قومیت‌های گوناگون پل می‌زند. ورزش چارچوبی را برای یادگیری مهارت‌هایی مانند نظم، اعتمادبه‌نفس و رهبری به‌وجود می‌آورد و قواعد اصلی زندگی مانند همیاری، احترام و بردباری را به انسان آموزش می‌دهد. ورزش به افراد ارزش تلاش و چگونگی رسیدن به پیروزی را آنچنان که آنها شکست را نیز تجربه می‌کنند، آموزش می‌دهد. در این میان ملل گوناگون از ابعاد مثبت ورزش به‌عنوان ابزاری قوی برای رسیدن به اهداف خویش استفاده می‌کنند».

در زمینه دیپلماسی ورزشی تاکنون پژوهش‌های کیفی بسیاری در خارج از کشور انجام شده است. جکسون^۱ (۲۰۱۳)، در بخشی از مقاله خود با عنوان «زمینه ورزش جایگاهی برای رقابت دنیای جهانی شده»، به ارتباط میان ورزش و دین پرداخته است؛ کمی فکر کنید، اگرچه ورزش اشارات زیادی به مذهب و رعایت هنجارها (تقویت عضلات توسط عیسی مسیح (ع)) دارد، کاهش تعداد مسیحیان در سال‌های گذشته پاپ جان پاول دوم^۲ را مجبور کرد تا در بخشی از سخنان خود در تأسیس دپارتمان رشته‌ای ورزشی در واتیکان^۳، بگوید: «کلیسا ... باید بدون شک به رشته‌های ورزشی توجه کند، پدیده‌ای که به‌طور مشخص یکی از شاه‌رگ‌های حیاتی فرهنگ معاصر و از جمله پیش‌قراولان آن است». وی در ادامه ضمن بررسی کارکرد دولتی ورزش می‌افزاید: نقش ورزش در زمینه سیاست خارجه، سیاست خارجه و روابط دیپلماتیک روزبه‌روز مبهم‌تر می‌شود. از سویی عده‌ای معتقدند که ورزش به‌عنوان پدیده‌ای ارزشی با دشمنی‌ها مبارزه می‌کند و افراد را به گفت‌وگوی صلح‌آمیز دعوت کرده و کمک می‌کند تا فهم بهتر فرهنگی میان اقوام و ملل مختلف صورت گیرد، این در حالی است که عده‌ای دیگر معتقدند ورزش در بسیاری از موارد نه‌تنها دشمنی‌ها را از بین نمی‌برد، بلکه خود منبع دشمنی و تضاد است. چا^۴ (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان «بازی‌های آسیایی و دیپلماسی در آسیا (کره-چین-روسیه)» ضمن مروری کوتاه بر بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن به نقش بازی‌های آسیایی در از میان بردن مرزهای ایجادشده در دوران پایانی جنگ سرد در آسیا اشاره می‌کند. وی در این مطالعه موردی ورزش را ابزاری تقویت توسعه تعاملات بین‌الملل می‌نامد. وی در ادامه ورزش را یک «نشان ملی»^۵ می‌داند تا دولت‌ها و سیاست‌ها بتوانند اجتماعی تأثیرگذار باشند و از این راه به اهداف خویش دست

1. Jackson
2. Pope John Paul II
3. Vatican
4. Cha
5. National Brand

یابند. کاسترو^۱ (۲۰۱۳)، در پژوهشی دیگر با عنوان «دیپلماسی بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ و جام جهانی فیفا ۲۰۱۴؛ راهبرد برزیل برای پیروزی بر قلوب و اذهان از طریق ورزش و فوتبال»، کسب مقام‌های مختلف قهرمانی کشور برزیل در سال‌های اخیر و میزبانی بازی‌ها و رویدادهای مختلف ورزشی مانند جام کنفدراسیون‌های فیفا (۲۰۱۳)، بیستمین قهرمانی دوندگان حرفه‌ای جهان (۲۰۱۳)، جام جهانی فوتبال (۲۰۱۴)، بازی‌های المپیک و پارالمپیک (۲۰۱۶)، پانزدهمین دوره بازی‌های پان آمریکن و پاراپان آمریکن (۲۰۰۷)، پنجمین دوره بازی‌های نظامی (۲۰۱۱) را موجبات افزایش قدرت هوشمندانه^۲ این کشور می‌داند؛ این قدرت چیزی است که نای در سال ۲۰۰۳ آن را برای اولین بار مطرح کرد و ماحصل جمع قدرت سخت و قدرت نرم است. وی در قسمتی از پژوهش خود دوران ریاست جمهوری سیلوا در برزیل در دو دوره از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ را دستمایه رشد اقتصادی، ثبات مالی، محرومیت اجتماعی و تمرین دموکراسی می‌داند و معتقد است برزیل به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور آمریکای جنوبی پایه‌پای کشورهای روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی رشد کرده و به‌عنوان یکی از کشورهای «بریک^۳» خود را معرفی کرد. برزیل به لحاظ قدرت نرم پس از برگزاری جام جهانی فوتبال از رتبه ۲۱ به رتبه ۱۷ جدول جهانی جهش داشت. گریکس و هولیهان^۴ (۲۰۱۴) نیز رویدادهای بزرگ ورزشی را به‌عنوان بخشی از استراتژی قدرت نرم؛ مطالعه موردی ۲۰۰۶ آلمان و ۲۰۱۲ بریتانیا، ضمن مقایسه بازی‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان و المپیک تابستانی ۲۰۱۲ لندن، آلمان‌ها را در استفاده از سیاست از ورزش در قرن بیستم میلادی نقش مهمی داشته‌اند؛ آنها در دو دوره نازیسم و آلمان غربی سوشالیست - کمونیست از این موضوع به‌خوبی بهره گرفتند. ایشان سه دلیل برای موفقیت آلمان در برگزاری جام جهانی ۲۰۰۶ فوتبال گزارش کردند:

۱. ارائه اطلاعات و آگاهی بخشیدن مناسب به مردم کشور در راستای مزایای میزبانی؛
 ۲. نگرش هوادارمحور توسط کمیته بازی‌ها که به‌خوبی توسط ژرمن‌ها پذیرفته شده بود؛
 ۳. آب‌وهوای بسیار خوب طی چهار هفته برگزاری این بازی‌ها.
- بریتانیا نیز با برگزاری بازی‌های ۲۰۱۲ لندن توانست دیپلماسی عمومی خود را تقویت کند. طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ که بریتانیا به‌دنبال آمادگی برای برگزاری بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن بود،

1. Castro
 2. Smart Power
 3. BRIC: Stands for Brazil, Russia, India &, China
 4. Grix & Houlihan

این کشور در شش شاخص صادرات، مهاجرت، سرمایه‌گذاری، فرهنگ، گردشگری و مردم جزو شش دولت برتر دنیا قرار گرفت. پیگمن^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی مروری با عنوان «ورزش بین‌الملل و بعد عمومی دیپلماسی؛ دولت‌ها، فدراسیون‌های ورزشی و جامعه جهانی»، ضمن بررسی مفهوم رقابت‌های بین‌المللی ورزشی به‌عنوان بازیگران دیپلماتیک از زمان المپیا باستان، از تیم‌های حاضر در این رویدادها نه‌تنها به‌عنوان نمایندگان وزارت خارجه کشورها، بلکه به‌عنوان نماینده همه مردم و دولت‌ها یاد کرده است. در این مقاله به رشد سریع تعداد رویدادهای ورزشی بین‌المللی در پنجاه سال گذشته و افزایش تبادلات فرد به فرد به شکل شخصی، مجازی در خارج از مرزهای ملی اشاره شده است. علاوه بر این موضوع، به این نکته نیز اشاره شده که فناوری‌های روز دنیا به قدرت ارتباطی رویدادهای ورزشی بین‌المللی در دهه‌های اخیر کمک شایان توجهی کرده است که خود منشأ و سبب انقلاب در این زمینه شده است. پیگمن و مورای (۲۰۱۴) نیز در بررسی عمیق با «طراحی ارتباط میان ورزش بین‌الملل و دیپلماسی» به دنبال ترویج بهترین شیوه مورد پذیرش حکومت‌ها مبنی بر تسهیل و آسان کردن استفاده از ورزش به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک توسط آنان و کاربرد مؤثر دیپلماسی توسط نهادهای ورزشی بودند. این پژوهش تلاش داشت تا مروری چندگانه بر مطالعات مروری پیشین دیپلماسی ورزش که بر روی رشته‌های پینگ‌پنگ، فوتبال، بیسبال و ... صورت گرفته است و نقیصه نبود مطالعه‌ای جامع در این زمینه را تکمیل کند. ایشان در قسمتی از مقاله خود ضمن بررسی چندگانه شبکه‌ها، بازیگران و راه‌های ورزش بین‌الملل و دیپلماسی، دو طبقه‌بندی متفاوت از دیپلماسی ورزشی را تعریف می‌کنند: اولین مورد شامل ورزش بین‌المللی است که آگاهانه توسط حکومت‌ها به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک به‌کار می‌رود و دومین طبقه ورزش و بین‌الملل به‌عنوان دیپلماسی که می‌تواند به‌عنوان بازیگری غیرحکومتی در رقابت‌های ورزشی بین‌المللی نقش مذاکره‌کننده و نماینده گفتمان را داشته باشد. حالت اول در جهان امروز آشناتر و رایج‌تر است، چراکه حکومت‌ها امروزه از ورزش برای بلندتر کردن صدای پیام‌های دیپلماتیک خود استفاده می‌کنند یا از رویدادهای ورزشی به‌عنوان فرصت‌هایی برای بهبود دیپلماسی عمومی خود بهره می‌گیرند و در نهایت در زیر پرچم روابط دیپلماتیک از ورزش به‌عنوان ابزاری برای کاهش تنش و ایجاد زمینه‌ای برای تغییرات سیاسی استفاده می‌کنند و این همان شکل سنتی بحث دیپلماسی ورزش است. حالت دوم که همان ورزش بین‌الملل به‌عنوان نوعی دیپلماسی است، کمتر مورد توجه و فهم قرار گرفته است؛ این بعد شامل تأثیرات هر دو ورزش بین‌الملل بر دیپلماسی و اختصاصی

1. Pigman

شدن دیپلماسی ورزش بین‌الملل است؛ این در واقع همان فعالیت‌های دیپلماتیکی است که اتفاق می‌افتد و موجب اجرای مسابقات ورزش بین‌الملل می‌شود.

با مطالعه موضوعات مذکور درمی‌یابیم نقش اولیه ورزش در عرصه سیاست بین‌الملل، می‌تواند به‌عنوان یک فرایند دیپلماتیک عمومی باشد (۲۶). چنانچه دیپلماسی عمومی را معطوف کردن سایر مردم به جذابیت‌ها و جاذبه‌های عمومی یک کشور بدانیم، ورزش چنین پتانسیلی را داراست. علاقه وافر مردم به ورزش موجب شده که رسانه‌های جمعی به‌طور کاملاً فزاینده‌ای به خدمت ورزش درآیند و صفحات زیادی از مطبوعات و زمان بسیاری از رادیو و تلویزیون را در سراسر جهان به خود اختصاص دهند.

اگرچه دیپلماسی سنتی ابزاری برای رسیدن به این اهداف است، مورای هفت دلیل را برای ورزشی شدن دیپلماسی^۱ بیان می‌دارد (۲۲):

۱. تغییرات در فضای دیپلماتیک، دیپلماسی را مجبور به سازگاری و آزمایش شیوه‌های نوین دیپلماسی کرده است که به‌کار گرفتن ورزش به‌عنوان ابزاری غیرمستقیم برای رسیدن به اهداف سیاست خارجه یکی از آنهاست. تصویر سیاست خارجی یک کشور می‌تواند به‌وسیله ورزش از شکل منزوی، بسته و غیرمرتبط به شکلی خلاقانه، مؤثر و عامه‌پسند تبدیل شود.

۲. ورزش و مؤسسات ورزشی در ابعاد قدرت، میزان پذیرش مردم و گستره فعالیت‌ها در حال افزایش هستند. دیوید بکام^۲ در این زمینه می‌گوید: «هیچ‌کس با ورزش مخالف نیست؛ ورزش کیفیتی جهانی و همه‌گیر دارد».

۳. عامه مردم جهان از خشونت فراوان در هزاره جدید خسته شده‌اند. این افراد ترجیح می‌دهند تا کشورها با استفاده از قدرت نرم مانند تعاملات فرهنگی و ورزشی مسائل خود را حل کنند (۲۲). مهم‌ترین هدف «آتش‌بس المپیک» چه در زمان باستان و چه در المپیک نوین معلق کردن جنگ‌افزارها و خشونت در طی برگزاری مسابقات المپیک است تا از این طریق به ورزشکاران و تماشاگران اجازه دهد فارغ از وضعیت نظامی بتوانند به محل برگزاری مسابقات مسافرت کنند؛ اگرچه در این میان آتش‌بس المپیک مانع از تجاوز روسیه به گرجستان خلال برگزاری از بازی‌های ۲۰۰۸ پکن نشد، این تجاوز تأثیر مخربی بر برگزاری این بازی‌ها نداشت (۲۳). در عصر اطلاعاتی پست‌مدرن، دیپلماسی ورزش و فرهنگ

1. Sporticization of Diplomacy

2. David Beckham

ابزار قوی سیاست خارجی به حساب می‌آیند و مانند گذشته نمی‌توان آنها را دور از سیاست و دست‌نخورده و بکر نگاه داشت.

۴. ورزش بخش اعظمی از زندگی امروز را به خود اختصاص داده است و مخاطب جهانی دارد. چنانچه وضعیت، تصویر و پیام دیپلماتیک از طریق ارزش‌های ورزشی مثبت منتقل شود، ادراکات از سیاست خارجی می‌تواند به شکل معناداری تغییر و بهبود یابد. نمونه این موضوع بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن بود که چین با استفاده از این مراسم پربازده، تصویر خود در جامعه جهانی را تقویت و به‌عنوان یک قطب اقتصادی جهان خود را تثبیت کرد.

۵. پنجمین دلیل، تقارب و نزدیکی روزافزون رشته‌های ورزشی و مقوله دیپلماسی به یکدیگر است. به‌عنوان یک سازمان، دیپلماسی کسب‌وکار صلح را به نمایش می‌گذارد؛ جیم کین^۱ سفیر سابق ایالات متحده در دانمارک در دومین کنفرانس دیپلماسی (۲۰۰۹)، در این مورد می‌گوید:

«رشته‌های ورزشی می‌تواند ابزاری قدرتمند برای دستیابی و حتی ایجاد روابط میان دولت‌ها باشند. ورزش در مقابل افتراقات اخلاقی و فرهنگی مختلف با استفاده از پیامی مثبت در بستر ورزش که حامل ارزش‌های مشترک مانند احترام متقابل، صبر و تحمل، دلسوزی، نظم و برابری فرصت‌ها باشد، می‌تواند به‌عنوان یک سیاست خارجه مؤثرتر نسبت به وعده و وعیدها یا پاداش‌ها به افراد قرار گیرد».

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر^۲ حکومت ایالات متحده از ورزش به‌عنوان راهی برای جذب جوانان مسلمان آفریقایی و خاورمیانه استفاده کرد، حال آنکه این موضوع تا پیش از این دشوار و سخت به‌نظر می‌آمد. این موضوع در کشور ایالات متحده که اقوام و گروه‌های مختلف در آن زندگی می‌کنند، نوعی فرصت بود؛ در این کشور عده‌ای ممکن است به مسائل حقوق بشر، فستیوال‌های سنتی، موسیقی و ... علاقه‌مند باشند. از سوی دیگر، تمامی فرهنگ‌ها و شهروندان این کشور (با انواع زبان‌ها) به ورزش علاقه‌مندند و این پدیده را تحسین می‌کنند. این موضوع خود بهترین شیوه را برای تعاملات به‌ویژه برای دیپلمات‌هایی که در عصر حاضر با سختی در سیاست خارجه مواجه‌اند، ترسیم می‌کند.

1. H.E Jim Cain

۲. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پس از حمله ایالات متحده به افغانستان، ۱۹ تروریست افغانی وابسته به گروه القاعده در پی حادثه‌ای تروریستی دو هواپیما را ربودند و به‌وسیله آنها به برج‌های تجاری «مرکز تجاری جهان» نیویورک حمله‌ور شدند. پس از این فاجعه بوش رئیس‌جمهور وقت آمریکا به‌دلیل حمایت صدام از گروهک‌های تروریستی به‌ویژه افغان دستور حمله به عراق را صادر کرد. مستند جنگ بوش (Bush's War) یا وب‌سایت Pbs.org اطلاعات کاملی از اتفاقات آن زمان دارد.

۶. جهانی شدن^۱ دلیل دیگری است که مایهٔ تعامل هرچه بیشتر و ادغام دیپلماسی و ورزش شده است. نقش ورزشکاران و دیپلمات‌ها در حال تغییر است و آگاهی از مسئولیت‌های اجتماعی‌شان خواست عامهٔ مردم از هر دو حرفه است. در این شرایط ورزش و دیپلماسی به مشابه دو قطب غیرهمنام به‌سوی یکدیگر کشیده می‌شوند؛ هم ورزشکاران و هم دیپلمات‌ها به‌دنبال کسب پیروزی برای حکومت خود هستند، فارغ از اینکه ورزشکار به دور پیست بدود یا دیپلمات‌ها به دور میز بنشینند.

۷. آخرین دلیل اینکه دیپلماسی ورزش مسیری نرم برای کشف یا تغییر معنادار سیاست خارجه میان حکومت‌هاست. بهترین نمونه برای این مورد دیپلماسی پینگ‌پنگ در سال ۱۹۷۱ بود. مورد جدیدتر دیپلماسی کریکت در میان کشورهای هند و پاکستان در مارس ۲۰۱۱ است که طی آن گیلانی^۲، نخست‌وزیر پاکستان دعوت همتای هندی خود سینگ^۳ را برای شرکت و تماشای مرحلهٔ نیمه‌نهایی جام جهانی کریکت که مابین رقبای آسیای جنوبی برگزار شد، پذیرفت (۲۲). مردم این دو کشور به‌رغم یک دهه اختلاف و خصومت با یکدیگر به‌دلیل وجود علاقهٔ مشترک (کریکت) و برگزاری یک سری مسابقات دوستانه در سال ۲۰۰۴ در این رشته، خطر حملهٔ نظامی و جنگ را از بین بردند (۲۳).

از نظر قدرت سیاسی، در محیط استبدادی و استعمارزدهٔ منطقه، موقعیت ژئوپلیتیک ایران، به‌دلیل وجود حکومت مستقر و مستقل، بسیار حائز اهمیت است. افزایش رفت‌وآمد مقامات خارجی به تهران، نشان‌دهندهٔ تغییر رویکرد این کشورها نسبت به ایران است؛ تغییری که خود از تغییر در سیاست خارجی و دیپلماسی کشورمان نشأت می‌گیرد. با آغاز به کار دولت یازدهم، تحرک چشمگیری در حوزهٔ سیاست خارجی کشور و تعامل با کشورهای جهان آغاز شد، تحرکی که می‌توان توافق هسته‌ای وین را نقطهٔ عطف آن دانست. همچنین تمایل کشورهای جهان به تعامل با ایران، نشان‌دهندهٔ درک آنان از تغییری است که در ایران صورت گرفته است؛ تغییری که در آن تعامل و ارتباط سازنده با جهان، یکی از پایه‌های اقتدار کشور محسوب می‌شود. در این میان و از یک سو با توجه به موقعیت حساس کنونی ایران در عرصهٔ جهانی و ایجاد فشار از سوی برخی کشورهای خاص، و از سوی دیگر حضور پررنگ تیم‌های ملی ایران در رویدادهای بین‌المللی پرریننده مانند بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال و لیگ جهانی والیبال فرصتی است مغتنم تا ضمن کاهش فشار جامعهٔ جهانی، نخبگان ورزش کشور به ارتقای جایگاه ایران در ساختار جدید جهانی کمک کنند. بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۱۲ لندن را می‌توان

-
1. Globalization
 2. Gilani
 3. Manmohan Singh

تجلی‌گاه تقویت غرور و هویت ملی کشورمان دانست که تکرار چنین افتخارآفرینی‌ای می‌تواند جایگاه از دست‌رفته ما را در «ساختار و هندسه جدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» دنیای امروز بازگرداند. از این‌رو پژوهشگر قصد دارد تا ضمن تبیین جایگاه ورزش در توسعه تعاملات امروز جامعه جهانی، مؤلفه‌های شکل‌دهنده دیپلماسی ورزش را کشف کرده و توجه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران سیاسی ایران را به مقوله ورزش به‌عنوان ابزاری دیپلماتیک جلب کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های میدانی بود. با عنایت به هدف اصلی، روش انجام پژوهش روش کیفی (تحلیل محتوا و گفتمان) بود. برای ساخت مدل مفهومی پژوهش در ابتدا از تحلیل محتوا (مصاحبه کیفی با افراد متخصص) (از طریق مطالعه مقالات، اسناد و مدارک و ابزار مصاحبه) استفاده شد. طی مصاحبه با خبرگان و متخصصان امر، وضعیت دیپلماسی ورزشی در کشورهای مختلف (به‌ویژه ایران) و مؤلفه‌های ورزشی شکل‌دهنده این مفهوم شناسایی و دسته‌بندی شد. با عنایت به مبانی نظری پژوهش‌های کیفی همزمان با انجام مصاحبه‌ها تحلیل و کدگذاری آنها نیز انجام پذیرفت؛ به‌گونه‌ای که تحلیل هر مصاحبه به‌همراه یافته‌های قبلی به‌عنوان راهنمای گردآوری داده‌ها و نیز معیاری برای انتخاب نمونه‌های بعدی قرار گرفت. انجام مصاحبه‌ها تا حد رسیدن به اشباع نظری (۱۳ نفر، ۱۱ متخصص داخلی و ۲ متخصص خارجی) ادامه یافت.

ویژگی‌های دموگرافیک نمونه کیفی

متغیر	ویژگی جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۳	۱۰۰
	زن	۰	۰
تحصیلات	کارشناسی	۲	۱۵/۳
	کارشناسی‌ارشد	۱	۷/۶
	دکتری	۱۰	۷۶/۹
تخصص (۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان علاوه‌بر داشتن کرسی تدریس در دانشگاه، سمت اجرایی عالی نیز در ورزش کشور داشتند)	استاد دانشگاه حوزه علوم ورزشی	۵	۳۸/۴
	مقامات عالی‌رتبه ورزش کشور	۶	۴۶/۱
ملیت	ایرانی	۱۱	۸۴/۶
	غیرایرانی	۲	۱۵/۳

در پایان با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، به تلخیص، دسته‌بندی و نتیجه‌گیری از یافته‌ها پرداخته شد تا فهرست نهایی مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های دیپلماسی ورزش استخراج شود.

مدلسازی تفسیری ساختاری (نرم)

سیج^۱ (۱۹۹۷) برای اولین بار مدلسازی ساختاری تفسیری^۲ را مطرح کرد (۱). این روش یک فرایند یادگیری تعاملی است که در آن مجموعه‌ای از عناصر مختلف و به‌هم‌مرتبط در یک مدل نظام‌مند جامع ساختاردهی می‌شوند. این روش‌شناسی به ایجاد و جهت دادن به روابط پیچیده میان عناصر یک سیستم کمک می‌کند. یکی از اصلی‌ترین منطبق‌های این روش آن است که همواره عناصری که در یک سیستم یا حوزه مطالعاتی را نشان می‌دهد که الگویی به‌دقت طراحی شده است (۶). فیروز جاییان و همکاران (۱۳۹۲)، مدلسازی ساختاری تفسیری را مبتنی بر اهمیت یا تأثیرگذاری عناصر برهم (بسته به نوع رابطه محتوایی تعریف‌شده) را از طریق نمایشی تصویری تعریف می‌کند. این روش تفسیری است، چراکه قضاوت گروهی از افراد تعیین می‌کند که آیا روابطی میان این عناصر وجود دارد یا خیر. این روش ساختاری است، زیرا اساس روابط یک ساختار سرتاسری است که از مجموعه پیچیده‌ای از متغیرها استخراج شده است. این روش یک تکنیک مدلسازی است که روابط مشخص و ساختار کلی در یک مدل دیاگرام را نشان می‌دهد (۶). در حوزه ورزش و مدیریت نیز تاکنون پژوهش‌های مختلفی در خارج از کشور صورت گرفته است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

ردیف	نویسنده	سال	حوزه به‌کارگیری مدلسازی ساختاری تفسیری
۱	ژو ^۳ و همکاران	۲۰۱۴	ارتقای کیفیت جسمانی دانشجویان
۲	کایو ^۴ و همکاران	۲۰۱۴	تجزیه و تحلیل حرکت‌شناسی بدن
۳	مودولی ^۵ و همکاران	۲۰۱۳	تجزیه و تحلیل عوامل رفتاری انسانی مؤثر بر اجرای مدیریت
۴	ساکار	۲۰۰۷	طراحی کارت امتیازی متوازن (BSC)

1. Sage
2. Interpretative Structural Model (ISM)
3. Zhou
4. Kayo
5. Muduli

در این تحقیق با بررسی ادبیات، پیشینه ابعاد و شاخص‌های دیپلماسی ورزشی شناسایی شد و مدل‌سازی تفسیری ساختاری برای تفسیر روابط بین ابعاد و شاخص‌های آن به کار گرفته شد، چراکه روش مذکور یک روش استقراری مطلوب برای شناسایی و تحلیل روابط بین ابعاد و شاخص‌هاست. برای اجرای مدل سه گام اصلی زیر ضروری است (آذر و بیات، ۱۳۸۷):

۱. شناسایی ابعاد و شاخص‌های دیپلماسی ورزشی؛
۲. تعیین رابطه مفهومی بین ابعاد و شاخص‌ها با استفاده از ISM؛
۳. تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری؛
۴. تشکیل ماتریس دریافتی؛
۵. تعیین روابط و سطح‌بندی بین ابعاد و شاخص‌ها؛
۶. ترسیم شبکه تعاملات ابعاد و شاخص‌های دیپلماسی ورزشی.

یافته‌ها

اولین گام در مدل‌سازی تفسیری، شناسایی مؤلفه‌های مربوط به مسئله است که این مرحله با بررسی مطالعات گذشته و دریافت نظر کارشناسان صورت می‌گیرد.

گام اول: شناسایی مؤلفه‌های مربوط به مسئله

در این مرحله با مطالعه ادبیات پیشینه و مصاحبه با سیزده تن از متخصصان، مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش شناسایی و در نهایت نامگذاری شدند که در جدول ۱ نشان داده شده است. در این مرحله با استفاده از معیارها یا مؤلفه‌های شناسایی‌شده یک رابطه محتوایی میان هر جفت از مؤلفه‌ها شناسایی می‌شود (Contextual Relation). روابط محتوایی بین دو جز به چندین صورت طبقه‌بندی می‌شود که از جمله آنها می‌توان به رابطه تعریفی^۱، مقایسه‌ای^۲، تأثیری^۳، زمانی^۴، فضایی^۵ و ریاضی^۶ اشاره کرد که در این پژوهش از رابطه تأثیری بهره برده شد.

1. Definitive Relationship
2. Comparative
3. Influence
4. Temporal
5. Spatial
6. Mathematical

جدول ۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیپلماسی ورزش مستخرج از ادبیات پیشینه و مصاحبه

نامگذاری	نتایج تحلیل گفتمان و محتوا
<p>محقق</p> <p>براساس</p> <p>ادبیات</p>	<p>مارک‌های ورزشی معروف مصداقی از قدرت نرم کشورها هستند.</p> <p>معرفی و موفقیت یک کشور در مسابقات ورزشی موجب رشد و پیشرفت گردشگری و سرمایه‌گذاری اقتصادی دیگر کشورها در آن می‌شود.</p> <p>ورزش موجب توجه مردم به سایر جذابیت‌ها و جاذبه‌های عمومی یک کشور می‌شود.</p> <p>ورزش موجبات توسعه پایدار و چندگانه ملت‌ها را فراهم می‌کند.</p> <p>ورزش موجب می‌شود که یک کشور به جامعه‌ای باز، مدرن و قطب جهانی اقتصاد تبدیل شود.</p>
<p>توسعه قدرت</p> <p>هوشمندانه</p>	<p>ورزش عامل ایجاد جنگ روانی میان دولت‌هاست.</p> <p>ورزش ابزاری برای انتقام‌جویی و منبعی برای کارهای غیراخلاقی است.</p> <p>ورزش می‌تواند اهداف نامشروع سیاسی یک کشور را مشروع جلوه دهد.</p> <p>ورزش سلاحی برای انقلاب و نماد جنگ‌مانند برای افروختن دشمنی‌هاست.</p> <p>رویدادهای ورزشی عرصه‌ای را برای دشمنی‌های سیاسی و عقیدتی فراهم می‌آورد.</p> <p>ورزش موجبات قتل، تحریم یا دعوی سیاسی را فراهم می‌آورد.</p> <p>ورزش بستری مناسب برای فعالیت‌های تروریستی و تظاهرات است.</p> <p>ورزش بازنمایی نژادی و جنسی را به همراه دارد.</p> <p>ورزش ابزاری برای تحریک و خشمگین کردن یک کشور است.</p> <p>ورزش ابزاری برای ترویج قدرت و هژمون (سلطه) است.</p> <p>ورزش بستری را برای تقلب، مشاجره، شرط‌بندی و مصرف مواد مخدر فراهم می‌آورد.</p> <p>شینی‌سازی ورزشکاران یکی از ابزارهای مورد استفاده سیاستمداران است.</p>
<p>بعد تاریک</p>	<p>ورزش ارتباطات رسانه‌ای روزانه (مطبوعات و ...) میان ملل را افزایش می‌دهد.</p> <p>ورزش دستمایه انقلاب ارتباطات و اطلاعات است.</p> <p>رویدادهای ورزشی نوعی اطلاع‌رسانی دوطرفه است (برخلاف روابط دیپلماتیک سنتی).</p> <p>ورزش می‌تواند موجبات استفاده از شبکه‌های جهان گستر را فراهم آورد.</p> <p>ورزش ابزاری برای انتقال تصویر و پیام دیپلماتیک است.</p> <p>انعکاس رسانه‌ای رویدادهای ورزشی موجب همگرایی سیاست و ورزش می‌شود.</p>
<p>تعاملات رسانه‌ای</p>	<p>ورزش برون‌دهای اقتصادی را افزایش می‌دهد و موجبات بازسازی نهادهای داخلی را فراهم می‌آورد.</p> <p>برگزاری رویدادهای ورزشی موجب تقویت زیرساخت‌ها و ایجاد تسهیلات مناسب می‌شود.</p> <p>ورزش بستری را برای ایجاد امنیت سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی یک کشور فراهم می‌آورد.</p> <p>ورزش بستری را برای تجارت آزاد و بهبود وضعیت کار فراهم می‌آورد.</p> <p>عرصه ورزش بازاری برای فروش ابزار و وسایل، تولید ثروت و شکوفایی اقتصادی است.</p> <p>ورزش می‌تواند به رشد اقتصاد داخلی کمک کند و میراثی ماندگار برای کشورها برجای گذارد.</p>
<p>توسعه اقتصادی</p>	<p>ورزش می‌تواند صلح میان دولت‌ها و ثبات بین‌المللی را ایجاد و تقویت کند.</p> <p>ورزش موجب از بین رفتن موانع (فقر، بیماری، جنگ و...) توسعه کشورها می‌شود.</p> <p>ورزش موجب کاهش رقابت‌های بین‌نژادی و تعارضات فردی می‌شود.</p> <p>ورزش می‌تواند جایگزینی برای جنگ و دیپلماسی نظامی باشد و موجبات دوستی بین‌المللی را فراهم آورد.</p> <p>ورزش پدیده‌ای در جهت دفاع از افراد و گروه‌های تحت ستم و محروم است.</p>
<p>صلح و دوستی</p>	

ورزش با هر گونه فعالیت قهرآمیز بین‌المللی مخالف است و بستری را برای حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات فراهم می‌آورد.

ورزش ابزاری است تا مردم یک کشور در مقابل مردم کشور دیگر قرار گیرند.

ورزش امری برای رعایت حقوق بشر، اجرای استانداردهای آن و ارائه خدمات بشردوستانه است.

ورزش ابزاری علیه دوپینگ، تنوع نژادی، قومی، منطقی‌های و طبقاتی است.

ورزش بستری را برای کسب مهارت‌های حیاتی زندگی فراهم می‌آورد و صبر و تحمل افراد را افزایش می‌دهد.

تیم‌های ورزشی با نشان دادن فرهنگ خود در جریان مسابقات ورزشی می‌توانند دیگران را به ایجاد روابط خارجی با خود برانگیزند.

رویدادهای ورزشی می‌تواند به توسعه علم و فناوری در کشور میزبان کمک کند.

رویدادهای ورزشی می‌تواند به بهبود فرهنگ عمومی تماشاچیان کشور میزبان کمک کند.

ورزش می‌تواند خرده‌فرهنگ‌ها را به یکدیگر نزدیک کند و میان آنها پل بزند.

ورزش موجب بهبود اخلاق، تعهدات اجتماعی، نظم و اعتمادبه‌نفس می‌شود.

ورزش گوناگونی مذهبی را کاهش می‌دهد و بستری را برای نمایش فرهنگ ملی و ارائه ارزش‌ها فراهم می‌آورد.

ورزش یک کشور نشان‌دهنده طرز فکر عامه مردم یک کشور است.

ورزش موجب تقویت مفهوم «شهروند بین‌المللی» می‌شود و ابزاری برای انتقال دیدگاه‌ها و آرزوهای یک دولت است.

ورزش موجب گسترش روابط پایدار افراد کلیدی کشورها (دانشگاهیان، نخبگان و...) با یکدیگر می‌شود.

ورزش ابزاری برای تأسیس مراکز فرهنگی، انجمن‌های دوستی و تفاهم‌نامه‌های خواهرخواندگی میان دولت‌هاست.

ورزش می‌تواند بستری را برای تبلیغ آرمان‌ها، ارزش‌ها و اهداف متعالی کشورها به‌وجود آورد.

ورزش ابزاری برای آموزش ارزش‌ها و ایجاد و تقویت روحیه جوانمردی در افراد است.

ورزش محیطی را برای تخلیه پرخاشگری فراهم می‌کند و ابزاری برای کاهش خشونت جهانی است.

ورزش بستری مناسب برای جذب جوانان و فعالیتی کمکی در جهت ساخت شخصیت آنان است.

میزبانی رویدادهای ورزشی فرصتی را برای تبادل اطلاعات و تسهیم تجربیات ایجاد می‌کند.

ورزش برون‌دهای اجتماعی را افزایش می‌دهد و به توسعه منابع فرهنگی کمک می‌کند.

رویدادهای ورزشی فرصتی را برای توسعه سرمایه‌دانش جهانی فراهم می‌آورد.

ورزش جامعه‌پذیری جوانان و بزرگسالان را افزایش می‌دهد.

ورزش بستری مناسب برای ابراز طیف گسترده‌ای از احساسات و تغییرات عقیدتی افراد است.

ورزش موجب شکل‌دهی به افکار عمومی و قسمتی از منابع قدرت نرم است.

ورزش موجب انتقال مفاهیم اخلاقی و ارائه الگو مناسب می‌شود.

ورزش پررنگ‌ترین نوع دیپلماسی فرهنگی است.

شرکت در ورزش نشانه تمدن، سلامت و شادکامی یک کشور است.

آوردگاه رویدادهای ورزشی، جایگاه قدرت‌نمایی کشورهای پیشرفته یا نوظهور است.

موفقیت در رویداد ورزشی می‌تواند به افزایش قدرت یک کشور و جهانی شدن قدرت یک کشور کمک کند.

ورزش دستاویزی برای پذیرش حقوق یک کشور در جامعه جهانی است.

ورزش می‌تواند معیاری برای مقایسه قدرت کشورها باشد.

ورزش می‌تواند به "فرد" نیز در کنار جمع قدرت تأثیرگذاری بین‌المللی دهد.

دلاوری‌های ورزشی در رویدادهای بزرگ ورزشی شاخصی برای سنجش قدرت کشورهاست.

موفقیت در رویدادهای ورزشی نشان‌دهنده چهره توانمند داخلی یک کشور است.

ورزش ابزاری برای دستیابی به ذهن و قلب مخاطب جهانی است.

موفقیت در رویدادهای ورزشی و میزبانی این مسابقات می‌تواند قدرت نرم کشورها را تقویت کند.

ورزشکاران، مربیان و... کشورها مصداقی از قدرت نرم کشورهاست.

توسعه سیاسی	<p>ورزش می‌تواند به آمادگی افکار عمومی برای رخدادهای نوین سیاسی کمک کند.</p> <p>ورزش به استقرار نظم و دموکراتیک شدن نظام هر کشور کمک می‌کند.</p> <p>ورزش موجب کاهش کلیشه‌ها، تنش‌های سیاسی و تضادهای ایدئولوژیک هر کشور می‌شود.</p> <p>موفقیت در رویدادهای ورزشی موجب تکامل نظام دولت ملی می‌شود.</p> <p>ورزش به رشد، توسعه و نوسازی دولت‌ها کمک می‌کند.</p> <p>ورزش می‌تواند محیط خارجی و داخلی کشورها را به هم پیوند دهد.</p> <p>ورزش عامل نزدیکی جغرافیایی سیاسی به جغرافیایی طبیعی است.</p> <p>ورزش موجبات ارتقای منزلت ژئوپلیتیکی کشورها را فراهم می‌آورد.</p> <p>ورزش دستورالعمل‌های ضعیف سیاسی را بهبود می‌بخشد و خلأهای سیاسیون را پر می‌کند.</p> <p>ورزش می‌تواند محیطی را برای اتخاذ تصمیمات سیاسی فراهم آورد و ابزاری برای کسب ارزش‌های سیاسی باشد.</p> <p>ورزش ابزاری برای محو محدودیت‌های ژئوپلیتیکی است.</p>
وحدت و همگرایی	<p>موفقیت در رویداد ورزشی می‌تواند موجب همبستگی و وحدت ملی شود.</p> <p>ورزش می‌تواند افکار عمومی را با دولت همراه کند.</p> <p>ورزش می‌تواند موجبات شادی خودجوش مردم را فراهم کرده و شور زندگی را در آنان تقویت کند.</p> <p>موفقیت در رویدادهای ورزشی وحدت، همگرایی، هویت، غرور و انسجام ملی را تقویت می‌کند.</p> <p>مشاغل ورزشی می‌توانند هویت ملی یک کشور را تقویت کنند.</p> <p>ورزش نقطه کانونی اجتماعات جهانی امروز و دستمایه ساخت ملی است.</p> <p>ورزش ابزاری برای تشویق ملی‌گرایی و ادغام اقلیت‌هاست.</p> <p>ورزش موجب تقویت حس قلمروخواهی و برانگیخته شدن حس شهروندی می‌شود.</p> <p>حضور یک کشور در رویدادهای ورزشی می‌تواند یک کشور را از انزوای سیاسی و ژئوپلیتیکی خارج کند.</p> <p>میزبانی و برگزاری موفقیت‌آمیز رویدادهای ورزشی موجب ارتقای جایگاه سیاسی یک کشور می‌شود.</p> <p>با کسب درآمد از میزبانی رویدادهای ورزشی می‌توان به جایگاهی بالاتر در عرصه سیاست خارجی دست یافت.</p> <p>موفقیت در رویداد ورزشی موجب احترام بین‌المللی می‌شود.</p> <p>ورزش می‌تواند فشارهای سیاسی سایر کشورها را بر روی کشوری خاص کاهش دهد.</p> <p>میزبانی رویدادهای ورزشی موجب خودباوری نخبگان سیاسی کشور می‌شود.</p> <p>ورزش ابزاری برای به رسمیت نشناختن یک دولت است.</p> <p>ورزش می‌تواند با انزوای سیاسی مقابله کند و بستری را برای تشریح و تبلیغ ایدئولوژی سیاسی فراهم آورد.</p>
مبارزه با انزوا	

گام دوم: تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

ماتریس خودتعاملی ساختاری از ابعاد و مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش و مقایسه آنها با استفاده از چهار حالت روابط مفهومی تشکیل شده است. این چهار نشانه برای تبیین رابطه مفهومی میان دو معیار i و j استفاده شده است:

V: مؤلفه i بر تحقق مؤلفه j کمک می‌کند (مؤلفه i به j منجر می‌شود).

A: مؤلفه j بر تحقق مؤلفه i کمک می‌کند (مؤلفه j به i منجر می‌شود).

X: مؤلفه‌های i و j هر دو به تحقق هم کمک می‌کنند (تأثیر دوطرفه).

O: مؤلفه‌های i و j با یکدیگر ارتباط ندارند.

در این بخش پرسشنامه‌هایی توسط محقق طراحی و با استفاده از نظرهای هفت خبره دانشگاهی و مدیران عرصه ورزش تکمیل شد. خروجی و برآیند پاسخ‌های خبرگان در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. ماتریس خودتعاملی ساختاری ابعاد فرایند «دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل»

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	J	I
مبارزه با انزوا	توسعه قدرت هوشمندانه	صلح و دوستی	برندینگ بین‌المللی	تعاملات فرهنگی	توسعه سیاسی	توسعه اقتصادی	وحدت و همگرایی	تعاملات رسانه‌ای	بعد تاریک		
A	A	X	A	V	A	A	X	A	X		بعد تاریک
X	V	V	V	X	V	V	X	X	V		تعاملات رسانه‌ای
V	V	O	V	V	A	V	X	X	X		وحدت و همگرایی
A	X	X	A	A	A	X	A	A	V		توسعه اقتصادی
V	V	X	V	X	X	V	V	A	V		توسعه سیاسی
O	V	X	V	X	X	V	A	X	A		توسعه فرهنگی
A	A	A	X	A	A	V	A	A	V		برندینگ بین‌المللی
X	V	X	V	X	X	X	O	A	X		صلح و دوستی
A	X	A	V	A	A	X	A	A	V		توسعه قدرت هوشمندانه
X	V	X	V	O	A	V	A	X	V		مبارزه با انزوا

گام سوم و چهارم: ایجاد ماتریس دریافتی

ماتریس خودتعاملی ساختاری به ماتریس صفر و یک تبدیل می‌شود که نام آن ماتریس دریافتی است. قاعده جایگذاری اعداد صفر و یک به‌جای حروف لاتین (V, X, O, A) چنین است:

- در صورتی که ورودی (I, J) محل تلاقی سطر I و ستون J در ماتریس خودتعاملی ساختاری V باشد، در ورودی (I, J)، در ماتریس دسترسی یک و در ورودی (J, I)، صفر قرار داده می‌شود.
- چنانچه ورودی (I, J) محل تلاقی سطر I و ستون J در ماتریس خودتعاملی ساختاری A باشد، در ورودی (I, J)، در ماتریس دسترسی صفر و در ورودی (J, I)، یک قرار داده می‌شود.
- در صورتی که ورودی (I, J) در ماتریس خودتعاملی ساختاری X باشد، در ورودی (I, J) در ماتریس دسترسی یک و در ورودی (J, I)، صفر قرار داده می‌شود.
- چنانچه ورودی (I, J) محل تلاقی سطر I و ستون J در ماتریس خودتعاملی ساختاری O باشد، در ورودی (I, J)، در ماتریس دسترسی صفر و در ورودی (J, I)، یک قرار داده می‌شود.
- در صورتی که I=J باشد، در ورودی ماتریس دسترسی یک قرار داده می‌شود.

جدول ۳. ماتریس دسترسی اولیه و نهایی ابعاد دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل

قدرت نفوذ	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۴	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۱	بعد تاریک
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	تعاملات رسانه‌ای
۸	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	وحدت و هویت ملی
۴	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	توسعه اقتصادی
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	توسعه سیاسی
۷	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	توسعه فرهنگی
۳	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	پرندينگ بين‌المللی
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	صلح و دوستی
۴	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	توسعه قدرت
۷	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	هوشمندانه
											مبارزه با انزوا
	۵	۸	۷	۸	۶	۴	۹	۴	۴	۹	میزان وابستگی

با شناسایی روابط ثانویه و اصلاح ماتریس دریافتی، ماتریس دریافتی اصلاح‌شده به دست آمده است؛ ستون قدرت نفوذ از جمع سطری و ستون وابستگی از جمع ستونی شاخص‌ها حاصل شده است. به بیان دیگر، اگرچه قدرت نفوذ و سطر وابستگی از جمع جبری حاصل شده است، هر یک از اعداد ۱ در جدول ۳ نشان‌دهنده روابط تأثیرگذار یک بعد/شاخص بر بعد/شاخص دیگر است. از سوی دیگر، هر یک از اعداد ۱ در ستون‌های جدول ۳ نشان‌دهنده وابستگی یک بعد/شاخص بر بعد/شاخص دیگر است.

گام پنجم: بخش‌بندی سطح

برای تعیین روابط و سطح‌بندی ابعاد و شاخص‌ها باید مجموعه خروجی‌ها و مجموعه ورودی‌ها را برای هر مؤلفه از ماتریس دریافتی استخراج کرد. مجموعه خروجی‌ها شامل خود مؤلفه و مؤلفه‌هایی است که از آن تأثیر می‌پذیرد. مجموعه ورودی‌ها شامل خود مؤلفه و مؤلفه‌هایی است که بر آن تأثیر می‌گذارد. سپس مجموعه روابط دوطرفه هر یک از مؤلفه‌ها مشخص می‌شود؛ یعنی تعداد مؤلفه‌ها که در دو مجموعه ورودی و خروجی تکرار شده است. مؤلفه‌ها براساس مجموعه‌های حاصله سطح‌بندی می‌شوند. به‌طور معمول مؤلفه‌هایی که مجموعه خروجی و مجموعه روابط دوطرفه یکسان باشند، مؤلفه‌های سطح بالای سلسله‌مراتب را تشکیل می‌دهند. بنابراین مؤلفه‌های سطح بالایی منشأ هیچ

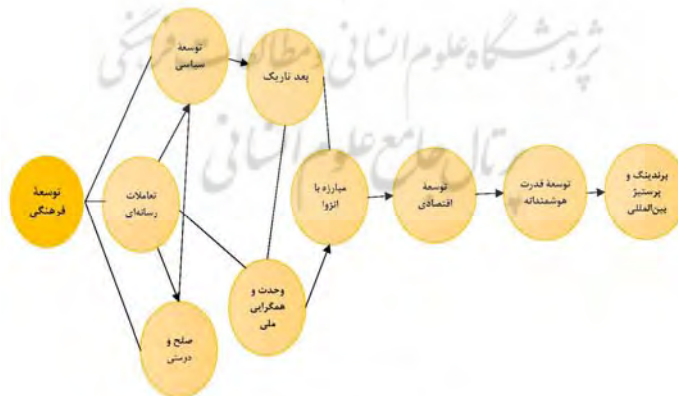
مؤلفه دیگری نخواهند بود. پس از اینکه سطح بالایی تعریف شد، از دیگر مؤلفه‌ها تفکیک می‌شود، سپس به‌واسطه یک فرایند همسان سطوح بعدی مشخص می‌شود.

جدول ۴. تعیین روابط و سطوح مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش

ابعاد	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه اشتراکات	سطح بندی
۱	۸، ۳، ۱	۱۰، ۹، ۷، ۸، ۵، ۴، ۲، ۳، ۱	۵، ۳، ۱	۵
۲	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۰، ۶، ۳، ۲	۱۰، ۶، ۳، ۲	۶
۳	۱۰، ۹، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱	۵، ۳، ۲، ۱	۳، ۲، ۱	۵
۴	۸، ۴، ۱	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۹، ۸، ۴	۳
۵	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۸، ۶، ۵، ۳	۸، ۶، ۵	۶
۶	۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳	۸، ۶، ۵، ۳، ۲، ۱	۸، ۶، ۵، ۳	۷
۷	۷، ۴، ۱	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۳، ۲	۷	۱
۸	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۰، ۹، ۸، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۰، ۸، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۶
۹	۹، ۷، ۴، ۱	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲	۹، ۴	۲
۱۰	۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۰، ۸، ۵، ۳، ۲	۱۰، ۸، ۳	۴

گام ششم: ترسیم مدل

پس از تعیین روابط و سطح مؤلفه‌ها می‌توان آنها را به شکل مدلی ترسیم کرد. به همین منظور ابتدا مؤلفه‌ها برحسب سطح آنها به ترتیب از بالا به پایین تنظیم می‌شوند. در پژوهش حاضر مؤلفه‌ها در هفت سطح قرار گرفته‌اند (شکل ۲). در بالاترین سطح برندینگ بین‌الملل و در پایین‌ترین سطح مدل توسعه فرهنگی قرار گرفته‌اند که همانند زیربنای مدل عمل می‌کند و مدل از این مورد شروع شده و به سایر مؤلفه‌ها منجر می‌شود. در سطوح بعدی مؤلفه‌های دیگر قرار دارند که در شکل ۲ آورده شده است.



شکل ۲. مدل نرم مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش

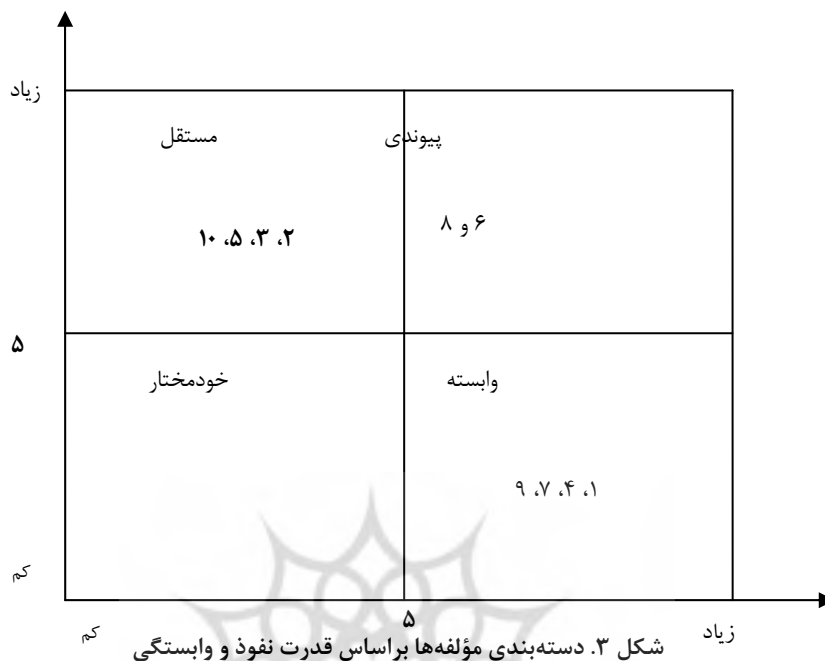
گام هفتم: تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی (نمودار MICMAC)

به منظور بخش‌بندی معیارها، در ماتریس دسترسی نهایی باید برای هر یک از عناصر قدرت محرکه ۱ و وابستگی ۲ محاسبه شود. قدرت محرکه یک مؤلفه تعداد مؤلفه‌هایی است که متأثر از معیار مربوطاند، از جمله خود آن مؤلفه. قدرت وابستگی نیز تعداد مؤلفه‌هایی است که بر مؤلفه مربوط تأثیر می‌گذارند و به دستیابی به آن منجر می‌شوند. این قدرت‌های محرکه و وابستگی در تحلیل ماتریس اثر ضرب ارجاع متقابل کاربردی ۳ (MICMAC) دسته‌بندی می‌شوند که در آن مؤلفه‌ها به چهار گروه خودمختار ۴، وابسته ۵، پیوندی ۶ و مستقل ۷ (مؤلفه محرک) تقسیم می‌شوند. خوشه یا ناحیه اول مؤلفه‌های خودمختارند که قدرت محرک و وابستگی ضعیفی دارند. این مؤلفه‌ها جدای از سیستم قرار دارند که در واقع پیوندهای اندکی با سایر مؤلفه‌ها دارند. خوشه یا ناحیه دوم، شامل معیارهای وابسته است که قدرت محرک ضعیفی داشته اما قدرت وابستگی بالایی دارند. خوشه یا ناحیه سوم، مؤلفه‌های پیوندی هستند که علاوه بر قدرت نفوذ، قدرت وابستگی بالایی دارند. این مؤلفه‌ها در واقع غیرمانا ۸ یا ناپایدارند، به این دلیل هر اقدامی روی این مؤلفه‌ها تأثیری بر دیگر مؤلفه‌ها یا بازخوردی به سمت خودشان خواهد بود. خوشه یا ناحیه چهارم، مؤلفه‌های مستقل‌اند که قدرت محرک بالا و قدرت وابستگی پایینی دارند. در واقع یک مؤلفه با قدرت محرک قوی مؤلفه کلیدی نام دارد و در دسته مؤلفه‌های مستقل جای می‌گیرد.

جدول ۵. درجه قدرت نفوذ و وابستگی مؤلفه‌ها

مؤلفه‌ها	بعد تاریک	تفاعلات رسانه‌ای	وحدت و همگرایی ملی	توسعه اقتصادی	توسعه سیاسی	توسعه فرهنگی	بین‌المللی و پرسینژ	صلح دوستی	قدرت هوشمندانه	مبارزه با اتوا
قدرت نفوذ	۴	۱۰	۸	۴	۹	۷	۳	۸	۴	۷
قدرت وابستگی	۹	۴	۴	۹	۴	۶	۸	۷	۸	۵

1. Driving Power
2. Dependence Power
3. Impact Matrix Cross-Reference Multiplication Applied to Classification (MICMAC)
4. Autonomous
5. Dependent
6. Linkage
7. Independent
8. Unstable



بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تلاش کرد تا با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری (نرم) به‌عنوان شیوه‌ای نوین در پژوهش‌های کیفی، مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش را به‌عنوان یکی از منابع قدرت نرم کشورها معرفی کند. با توجه به شکل ۲، توسعه فرهنگی به‌عنوان مؤلفه‌ای که در سطح هفتم (زیربنایی) قرار گرفته، بر سایر مؤلفه‌ها اثرگذار است. در واقع همراه کردن دیپلماسی ورزشی با روابط فرهنگی از جمله عوامل مولد قدرت نرم است. ورزش بستری مناسب برای ارائه و ظهور خرده‌فرهنگ‌های کشورهای مختلف به‌ویژه میزبانان رویدادهای بزرگ ورزشی است. در واقع کشورها از طریق نمایش فرهنگ خود در رویدادهای بزرگ ورزشی به قبض و بسط جایگاه خود در عرصه بین‌الملل می‌پردازند. این مؤلفه به‌همراه توسعه صلح و دوستی به‌عنوان مؤلفه‌های پیوندی در نمودار MICMAC قرار گرفتند. مردم جهان از طریق بازی با یکدیگر تفاهم بیشتری پیدا می‌کنند و در نتیجه برای رفع اختلاف‌های خود کمتر به زور متوسل می‌شوند. ناکارآمدی دیپلماسی نظامی در حل مناقشات و منازعات سیاسی کشورها سبب شده است تا این مفهوم به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار دیپلماسی ورزشی مطرح شود. از سوی دیگر، یک کشور با

روابط حسنه و دوستانه با جامعه بین‌المللی شانس بیشتری برای کسب میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی دارد. در واقع هر گونه تغییر در این مؤلفه‌ها موجبات تغییر در سایر مؤلفه‌های دیپلماسی ورزش را فراهم خواهد آورد.

در ادامه نمودار MICMAC نشان داد مؤلفه‌های بعد تاریک، توسعه اقتصادی، برندینگ و پرستیژ بین‌المللی و توسعه قدرت هوشمندانه، به‌عنوان مؤلفه‌های وابسته ارزیابی شدند. نای^۱ (۲۰۰۳) قدرت هوشمندانه را ترکیبی از قدرت سخت و نرم تعریف می‌کند؛ از این دیدگاه قدرت نرم زمینه‌ساز نفوذ و ژرفای بیشتر کاربرد قدرت سخت است. سازگاری و حرکت ورزش با افکار عمومی را می‌توان از جمله دلایل بارز ظهور قدرت هوشمندانه در این زمینه نامید. ورزش علاوه بر مسئولان، مخاطبی غیر از آنان را نیز پوشش می‌دهد و در این زمینه ابزار تبلیغاتی مختلفی از جمله رسانه‌ها را نیز درگیر می‌کند و می‌تواند از این بستر برای پیشبرد اهداف دیپلماتیک خود نیز استفاده کند. ورزش می‌تواند خواسته‌های افراد را بدون پنهان‌کاری و مونوپل کردن منتشر کند و به این نیازها از طریق مجذوب کردن (به‌جای اجبار یا امتیاز) پاسخ دهد. دیپلماسی ورزشی با ارائه جذابیت شیذوفرنیک نهفته در خود می‌تواند با تأثیرگذاری بر عامه مردم به نتایج مطلوب دست یابد. در واقع ورزش به‌عنوان مفهومی میان‌رشته‌ای با ارتباط با فرهنگ، اقتصاد و سیاست به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی قدرت هوشمندانه (۲)، می‌تواند جایگزین مناسبی برای بهبود تعاملات سیاسی میان کشورها باشد. بعد تاریک به‌عنوان دیگر مؤلفه مستقل دربرگیرنده تحریم و ترور در ورزش بین‌الملل است. رویدادهای بزرگ ورزشی به‌دلیل پوشش وسیع رسانه‌ای، توجه و مخاطب میلیاردي خود بهترین و مقرون‌به‌صرفه‌ترین مکان برای فعالیت‌های تروریستی و ضدبشری است. رسانه در واقع «خیمه‌شب‌بازی» تروریست‌ها به‌منظور رسیدن به اهداف خود است (۱۲). بازی‌های المپیک ۱۹۷۲ مونیخ را می‌توان سرآغاز این مفهوم در جامعه بشری دانست، چراکه پس از آن چهره ترور با مردی نقاب‌پوش در اذهان مردم جهان تداعی می‌شد. پس از آن بازی‌ها ۱۷۸ مورد حمله تروریستی مرتبط با رویدادهای ورزشی و ورزشکاران به ثبت رسیده است (۱۰). سومین مؤلفه وابسته برندینگ و پرستیژ بین‌المللی بود. برندینگ بین‌المللی شکل تازه‌ای از دیپلماسی عمومی در بین کشورهاست و آسان‌ترین شکل دستیابی به آن ورزش است. ورزش به‌عنوان یک «برند ملی» موجب می‌شود تا دولت‌ها و سیاست‌ها بتوانند اجتماعی تأثیرگذار باشند و از این راه به اهداف خویش دست یابند. توسعه اقتصادی چهارمین مؤلفه ورزشی وابسته به توسعه روابط دیپلماتیک کشورهاست. بسیاری

1 . Nye

از صاحب‌نظران بر این باورند که توسعه دیپلماسی ورزشی در گرو توسعه اقتصادی کشورها و برعکس است. هر کشوری با میزبانی رویدادهای ورزشی می‌تواند با کسب میزبانی درصد جزیی مسائل و مشکلات اقتصادی خود را برطرف کند و با پیشرفت اقتصادی روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را سامان دهد. برای مثال کشورهای بریک (برزیل، چین، روسیه و هند) از میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی نیز به‌عنوان یکی از منابع راهبردی توسعه روابط دیپلماتیک استفاده می‌کنند.

تعاملات رسانه‌ای، وحدت و همبستگی ملی، توسعه سیاسی و مبارزه با انزوا، مؤلفه‌های ناحیه مستقل‌اند. این مؤلفه‌ها در واقع با قدرت محرک قوی، مؤلفه‌های کلیدی به‌حساب می‌آیند. جهانی شدن و انقلابات ارتباطاتی و چگونگی توصیف یک کشور در رسانه‌ها را می‌توان از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار در توسعه روابط دیپلماتیک دانست. تمایل افکار عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی از یک سو و انعکاس گسترده وقایع ورزشی در رسانه‌های ارتباطی جمعی جهانی از سوی دیگر موجب شده است تا قلمرو ورزش و سیاست روزبه‌روز به هم نزدیک‌تر شوند (نصیری مقدم، ۱۳۹۱). فیشر^۱ دیپلماسی عمومی را ماحصل سه بخش تبادل فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی و پخش رسانه‌ای می‌داند که ورزش بین‌الملل می‌تواند در هر سه قسمت نقش مهمی داشته باشد و در پیوستار خصوصی-عمومی در هر نقطه‌ای قرار گیرد (۲۵). مدیریت رسانه‌های ورزشی در دیپلماسی عمومی برخلاف دیپلماسی سنتی که همواره پشت درهای بسته و به دور از هیاهوی رسانه‌ها برگزار می‌شود، نقشی حیاتی در بهبود جایگاه کشورها در روابط بین‌الملل دارد. در زمینه توسعه سیاسی نیز، اگرچه در ادبیات سیاسی دیپلماسی ورزشی ابزاری در دست سیاستمداران بوده، امروزه بیشتر متخصصان حوزه دیپلماسی ورزش بر این باورند که ورزش خود می‌تواند به‌عنوان مسیری مرتبط با روابط سیاسی نقشی متمایز و مستقل در توسعه روابط دیپلماتیک ایفا کند. رویدادهای ورزشی آینه تمام‌نمای وحدت و همدلی مسان اقوام و قبایل مختلف یک کشور/ دولت است. برای نمونه اهتزاز پرچم و پخش سرود ملی یک کشور در پی پیروزی ورزشکاران وابسته به خرده‌فرهنگ‌های مختلف آن کشور بازگوکننده وحدت ملی در آن کشور است. دهمین مؤلفه تشکیل‌دهنده توسعه روابط دیپلماتیک در ورزش، مبارزه با انزوا و تحریم است. تحریم‌های اقتصادی از ابزارهای دیپلماسی اجبار است و ورزش به‌عنوان ارزش مشترک جهانی تجلی‌گاه تقابل کشورهای متخاصم و متجاوز در مقابل یکدیگر است.

1. Fisher

کشورها از بستر ورزش به‌منظور اعتراض خود نسبت به رفتار جامعه جهانی یا به‌طور خاص کشوری متجاوز علیه خود استفاد می‌کنند.

ورزش به‌عنوان یکی از بازیگران جدید عرصه بین‌الملل و دیپلماسی ورزش به‌مثابه یکی از زیرشاخه‌های نوین دیپلماسی عمومی نقش بسزایی در توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... هر کشوری دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از حکومت‌های مردم‌سالار جهان که همواره طی سال‌های پس از انقلاب مورد اتهامات و تحریم‌های ناروا قرار گرفته است، می‌تواند از این اهرم به‌منظور بهبود و تقویت تصویر خود در عرصه بین‌الملل در کنار سایر کارکردهای ورزش در این حوزه مانند کسب برندینگ و پرستیژ بین‌المللی، معرفی خود به‌عنوان کشوری صلح‌دوست و مخالف با نژادپرستی، مبارزه با فقر و بیماری، تعامل و تبادلات فرهنگی، جلوگیری و کاهش انزوای سیاسی و تحریم‌ها، توسعه اقتصادی مانند بهبود وضعیت گردشگری ورزشی و افزایش حمایت‌ها از ورزش و تبلیغات آن، افزایش هویت، غرور و انسجام ملی استفاده کند.

منابع و مآخذ

۱. آذر، عادل؛ بیات، کریم (۱۳۸۷). «طراحی مدل فرایندمحوری کسب‌وکار با رویکرد مدلسازی ساختاری تفسیری»، نشریه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۱، ش ۱، ص ۱۸-۳.
۲. آهنین جان، ستار (۱۳۹۱). تأثیر رفتارهای حمایت‌گرانه در توسعه و اثربخشی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ص ۱۴.
۳. زادگان، محسن؛ حسینی، رسول (۱۳۹۱). «تأثیر دیپلماسی بر قدرت ملی ایران در عرصه جهانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، ص ۳۱-۴۵.
۴. سمیعی، علیرضا؛ فتحی، عبدالرضا (۱۳۹۱). «نقش و جایگاه قدرت نرم در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش سوم، ص ۱۷۶-۱۴۵.
۵. شهریار نی، حامد (۱۳۹۱). مدلسازی عوامل مؤثر بر انتخاب همکار در زنجیره تأمین چابک‌سازی با رویکرد مدلسازی تفسیری ساختاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۵۱-۶۶.

۶. فیروزجاییان، علی‌اصغر؛ فیروزجاییان، مجتبی؛ هاشمی پطروودی، حمید؛ غلامرضازاده، فاطمه (۱۳۹۲). «کاربرد تکنیک مدلسازی ساختاری تفسیری»، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ششم، ص ۱۵۶-۱۳۳.
۷. قربانی، ندا (۱۳۹۱). بررسی چالش‌های دیپلماسی عمومی ایران در منطقه خلیج فارس (مطالعه موردی: بحرین و عراق)، پایان‌نامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ص ۳۴-۴۵-۶۵.
۸. یزدانی، عنایت‌الله؛ نژادزندی، رویا (۱۳۹۱). «کاربست دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ش ۷، ص ۴۴-۱۹.
9. Bjola, C., & Kornprobst, M. (2013). "Understanding international diplomacy: theory, practice and ethics". Routledge, P: 105
10. Castro, A. S. (2013). "South Africa's Engagement in Sports Diplomacy: The Successful Hosting of the 2010 FIFA World Cup". The Hague Journal of Diplomacy, 8(3-4), pp: 197-210.
11. Cha, V. (2013). "The Asian Games and Diplomacy in Asia: Korea-China-Russia". The International Journal of the History of Sport, 30(10), pp: 1176-1187.
12. Feizabadi, M. S., Khabiri, M., & Hamidi, M. (2013). "The Relationship between the Success of Countries at the Guangzhou 2010 Summer Asian Games and Demo-economic Factors". Procedia-Social and Behavioral Sciences, 82, pp: 369-374.
13. Govindan, K., Azevedo, S. G., Carvalho, H., & Cruz-Machado, V. (2015). "Lean, green and resilient practices influence on supply chain performance: interpretive structural modeling approach". International Journal of Environmental Science and Technology, 12(1), pp: 15-34.
14. Grix, J. (2013). "Sport politics and the Olympics. Political Studies Review", 11(1), pp: 15-25.
15. Grix, J., & Houlihan, B. (2014). "Sports Mega-Events as Part of a Nation's Soft Power Strategy: The Cases of Germany (2006) and the UK (2012)". The British Journal of Politics & International Relations, 16(4), pp: 572-596.
16. Jackson, S. J. (2013). "The contested terrain of sport diplomacy in a globalizing world". International Area Studies Review, 16(3), pp: 274-284.
17. Kayo, M. M., & Ohkami, Y. (2014, October). "Visualization for therapist-guided self-exercise system of Somatic Balance Restoring Therapy. In Intelligent Transportation Systems (ITSC)", 2014 IEEE 17th International Conference on pp: 222-227. IEEE.
18. Lanzac, A., & Blain, C. (2011). "Weapons of Mass Diplomacy". London New York: SelfMadeHero Abrams, p: 67

19. Levermore, R., & Beacom, A. (2012). "Reassessing sport-for-development: moving beyond 'mapping the territory'". *International journal of sport policy and politics*, 4(1), pp: 125-137.
20. Marks, J. (1999). "Wrestling diplomacy scores in Iran". *Peace Review*, 11(4), 547-549.
21. Muduli, K., Govindan, K., Barve, A., & Geng, Y. (2013). "Barriers to green supply chain management in Indian mining industries: a graph theoretic approach". *Journal of Cleaner Production*, 47, pp: 335-344.
22. Murray, S. (2012). "The two halves of sports-diplomacy". *Diplomacy & Statecraft*, 23(3), pp: 576-592.
23. Murray, S., & Pigman, G. A. (2014). "Mapping the relationship between international sport and diplomacy". *Sport in Society*, 17(9), pp: 1098-1118.
24. Pamment, J. (2014). "The 2012 Olympics and Its Legacies: State, Citizen, and Corporate Mobilizations of the Olympic Spirit". *International Journal of Communication*, pp: 8, 19.
25. Pigman, G. A. (2014). "International Sport and Diplomacy's Public Dimension: Governments, Sporting Federations and the Global Audience". *Diplomacy & Statecraft*, 25(1), pp: 94-114.
26. Roeder Jr, L. W., & Simard, A. (2013). "Information and Knowledge Management. In *Diplomacy and Negotiation for Humanitarian NGOs* (pp. 99-136)". Springer New York, p: 12
27. Zhu, Z. J., Zhang, Q. H., Zhang, K. B., Zhuo, Y., & Zhou, Y. Q. (2014). "Research on physical quality promotion of college students using interpretive structural modeling: a case study in China". *Computer Science and Systems Engineering*, pp: 68, 437.